

بررسی و تطبیق مؤلفه‌های پدیدارشناسی و عرفانی در منظومه‌ی گنجینه‌ی اسرار

عمان سامانی

سحر برازجانی (نویسنده‌ی مسئول)

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

Sahar.borazjani@yahoo.com

زرین تاج واردی

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز zt.varedi@gmail.com

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

غلامرضا کافی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز ghkafi@shirazu.ac.ir

چکیده

مکتب فلسفی پدیدارشناسی هوسرل دارای مؤلفه‌هایی است که میان آن‌ها و مؤلفه‌هایی که در عرفان هست شباهت‌هایی وجود دارد. تا زمانی که به مؤلفه‌ها در جایگاه نظریه نگریسته شود قضاوت به تشابه و تفاوت آن‌ها چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. هدف این پژوهش بررسی و تطبیق این مؤلفه‌ها در منظومه‌ی عرفانی عاشرای گنجینه‌ی اسرار عمان سامانی است. در راستای این هدف ابتدا با مطالعه‌ی متون مربوط به حوزه‌ی پدیدارشناسی پنج مؤلفه که سنخیت بیشتری با مفاهیم عرفانی داشتند استخراج شده سپس مؤلفه‌های عرفانی مشابه معرفی گردیده‌اند. پس از مطالعه‌ی دقیق گنجینه‌ی اسرار عمان سامانی شواهدی که بیانگر مؤلفه‌های عرفانی مورد نظر بوده است جمع‌آوری شده‌اند و مقایسه و بررسی صورت گرفته است. این مقاله مدعی است که اگرچه اساس و خاستگاه نظریات پدیدارشناسانه و عرفان متفاوت است اما هر دو در راستای دستیابی آگاهی راستین مسیرهای مشابهی را طی کرده‌اند. مؤلفه‌های انسان کامل، تأویل و شهود در عرفان، خاستگاهی الهی

دارند درحالی که مفهوم «من» در فلسفه‌ی هوسرل بیانگر تکامل دیدگاه انسان‌گرایانه در فلسفه‌ی غرب است؛ ریشه‌ی اصطلاح «تأویل فلسفی» را می‌توان در فلسفه انتقادی کانت و تکامل آن را نیز در سنت‌ها و نظریه‌های فلسفی مختلف جستجو کرد و منشأ شهود فلسفی نیز عقل و استدلال بشری است. تجرید به معنای عرفانی آن ریشه در باورهای الهی دارد و خاستگاه اپوخه^۱ به نظریات شکاکان یونانی می‌رسد. ماهیت فلسفه و عرفان با هرگونه تقلید سازگار نیست. از فیلسوفان متقدم غربی افلاطون و ارسطو و در فلسفه‌ی شرق ابن سینا و شیخ اشراق در باب علم حضوری تأمل داشته‌اند. در نهایت نمی‌توان از نظریه شباهت میان مؤلفه‌ها - آن‌هم تنها در بخشی جزئی از مفاهیم گسترده‌ی عرفانی - فراتر رفت.

واژه‌های کلیدی: عرفان، پدیدارشناسی، ادبیات عاشورایی، عمان سامانی.

۱. مقدمه

فلسفه، مکتب دانایی و عرفان مکتب شناخت است که هر دو در تلاش برای درک حقایقی درباره‌ی آفریدگار، انسان و هستی‌اند با این تفاوت که خاستگاه و روش آن‌ها متفاوت است.

یکی از شاهراه‌های شناخت رب در عرفان، شناخت خود به وسیله‌ی دریافت آگاهی حاصل از علم حضوری است. یکی از تعاریف عرفان با تأکید بر آگاهی از طریق بازگشت به ماهیت اشیاء چنین است که عرفان علم به خداوند از حیث اسماء، صفات و مظاهرش و احوال معاد و حقایق عالم و چگونگی بازگشت آن حقایق به حقیقت واحد یعنی ذات احدی حق تعالی است» (یثربی، ۱۳۹۹: ۲۰-۱۹). پدیدارشناسی هوسرل نیز مبتنی بر آگاهی است و مراد هوسرل از پدیدارشناسی روش خاصی بر پایه‌ی اصول فکری خویش است. اگرچه فلسفه، بر اساس روابط علی و معلولی شکل می‌گیرد پدیدارشناسی با ایدئولوژی اصلی بازگشت به خود در پی آگاهی است. برای هوسرل اساس

تمام اظهارات عقلی در شهود یا آگاهی نخستین است که بی‌واسطه داده‌ها را به حضور می‌آورد و دیدار ذوات (Wesensschau) را ممکن می‌سازد (ریخته‌گران، ۱۳۸۲: ۴۲) به نظر می‌رسد افزون بر تشابه هدف پدیدارشناسی هوسرل و عرفان بتوان در مؤلفه‌های دیگر وی پیوندی با بعضی از مؤلفه‌های عرفانی یافت.

پدیدارشناسی هوسرل رویکردی فلسفی است که ریشه در دیالکتیک‌های فلسفی پیش از خود دارد و ادامه‌ی نگاهی انسان‌گرایانه است که به تعدیل رسیده است اما عرفان رویکردی معنوی است که بر تجربه و آگاهی جاری در جوهر من ناب تأکید می‌ورزد و از منظر شناخت خود به شناخت رب منتهی می‌گردد.

این پژوهش در پاسخ به این پرسش انجام شده است که آیا می‌توان با این ادعا که پدیدارشناسی هوسرل مبتنی بر آگاهی با شعار بازگشت به خود چیزهاست وجه مشترکی میان فلسفه پدیدارشناسی هوسرل و عرفان پیدا کرد.

همچنین بررسی منظومه‌ی عرفانی گنجینه‌ی اسرار از این جهت اهمیت دارد که در عصر قاجار سروده شده است اگرچه محققان درباره‌ی عصر قاجار نظرات مختلف و متفاوتی دارند (رک. یاحقی، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۸)، (صبور، ۱۳۸۷: ۴۷۰)، (فرشیدور، ۱۳۷۰: ۷۹۱)، (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۶۰)، این دوره از لحاظ ادبی به‌ویژه اشعار عرفانی عاشورایی دوره‌ای برجسته و پر رونق به‌شمار می‌آید. اقبال شاعران به سرودن این‌گونه اشعار از عصر صفویه رواج و در عصر قاجار کمیت و کیفیت ویژه‌ای یافته است. منظومه‌ی گنجینه‌ی اسرار عمان سامانی (۱۲۵۸) که دارای مضمون و مؤلفه‌های عرفانی است شاهدی عینی برای سنجیدن امکان تشابه مؤلفه‌های عرفانی و پدیدارشناسانه است.

این تحقیق بر آن است که مؤلفه‌های پدیدارشناسی و مؤلفه‌های عرفانی را در منظومه‌ی گنجینه‌ی اسرار مطالعه کند.

۱. ۱. پیشینه

تاکنون پژوهش مستقلی در بررسی و تطبیق مؤلفه‌های پدیدارشناسی و عرفانی در منظومه‌ی گنجینه‌ی اسرار صورت نپذیرفته است؛ اما پژوهشگرانی به بررسی پدیدارشناسانه‌ی متون ادبی پرداخته‌اند، از جمله:

خوشحال دستجردی و حجتی‌زاده (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «نقد و تحلیل پدیدارشناختی عرفان روزبهان با تکیه بر محبث تجلیات التباسی، در عبهرالعاشقین» به معرفی سه مؤلفه‌ی «التفات، فروکاست و ارتباط عین و ذهن» در پدیدارشناسی پرداخته‌اند.

سام خانیانی، (۱۳۹۲) در دو مقاله «رویکردهای پدیدارشناختی سهراب سپهری» و «مؤلفه‌های پدیدارشناسی هوسرل در شناخت‌شناسی» به بررسی آراء پدیدارشناسی با اشعار سهراب سپهری و مولانا جلال‌الدین محمد بلخی پرداخته است. در مقاله‌ی نخست به بیان تشابهات فکری و شعری در اشعار سهراب با بعضی از دیدگاه‌های هوسرل پرداخته شده است همچنین فهرستی کوتاه و سنجیده از کلمات درون اشعار سهراب سپهری ارائه شده که به جهت نشانه‌شناختی با پدیدارشناسی مرتبط و حائز اهمیت است. در مقاله‌ی دوم نگارنده مؤلفه‌هایی مانند اعتقاد به نگرش استعلایی، من‌اندیشمند، تعلیق پیش-فرض در کنش شناختی، رد دانش عقلی و نقلی و تأکید بر ادراک بی‌واسطه و شهود را با دیدگاه‌های مشابه مولانا در مثنوی تعمیم داده و همخوان معرفی کرده است.